

دستور

خانوادهی پاتر



نوشتہ جی. کی. رولینگ

ترجمہ امین بھرہ مند

خانواده‌ی پاتر یکی از قدیمی‌ترین خانواده‌هاست اما هرگز (تا پیش از تولد هری جیمز پاتر) در صف جلوی تاریخ جادوگری نبوده و به حضوری محکم و راحت در پشت پرده راضی بودند.

پاتر یک نام خانوادگی مشنگی غیر معمول نیست و به همین دلیل این خانواده نتوانستند به فهرست «بیست و هشت مقدس» راه پیدا کنند؛ مولف ناشناس آن فهرست ظاهراً قاطع از اصیل‌زادگان، مظنون شده بوده است که این خانواده از چیزی که او آن را خون آلوده می‌دانسته به وجود آمده است. خانواده‌ی جادویی پاتر آغازکنندگان درخشانی داشته است که به برخی از آن‌ها در کتاب *یادگاران* مرگ اشاره شده است.

در دنیای مشنگ‌ها «پاتر» یک نام خانوادگی مربوط به حرفه‌ی افراد و به معنی کسی است که کوزه می‌سازد. خانواده‌ی جادویی پاتر از جادوگر قرن دوازدهمی، لینفرد استینچکومی^۱ نشأت گرفته است که مردی محبوب و عجیب و غریب با نام مستعار Potterer بوده و در طول زمان به Potter تغییر شکل پیدا کرده است. لینفرد شخصی مبهم و حواس‌پرت بود که همسایگان مشنگش او را اغلب به خاطر خدمات دارویی‌اش می‌شناختند. هیچ‌کدام از آن‌ها متوجه نمی‌شدند که درمان فوق‌العاده‌ی لینفرد برای آبله و تب مالاریا جادویی است. همه‌ی آن‌ها او را مرد قدیمی بی‌آزار و دوست‌داشتنی‌ای می‌دانستند که در باغچه‌اش با همه‌ی آن گیاهان بامزه‌اش می‌پلکد. شهرت لینفرد به عنوان یک انسان خوش‌قلب و کمی عجیب و غریب بسیار به کار او آمد و این امکان را به او داد که پشت درهای بسته به مجموعه آزمایشاتش که پایه‌گذار ثروت خانوادگی پاتر بود، ادامه دهد. تاریخ‌شناسان لینفرد را به عنوان مبتکر چندین دارویی می‌شناسند که نسخه‌ی تکامل‌یافته‌ی آن‌ها به صورت معجون تا به امروز مورد استفاده قرار می‌گیرد، مانند معجون استخوان‌ساز و معجون ضد سرماخوردگی. فروش چنین داروهایی به هم‌نوعان ساحر و ساحره‌اش او را قادر ساخت که پس از مرگش برای هر یک از هفت فرزندش مقدار قابل توجهی طلا به جای بگذارد.

بزرگ‌ترین پسر لینفرد، هاردوین^۲، با ساحره‌ی جوان زیبایی به نام آیولانت پاورل^۳، که اهل روستای دره‌ی گودریک بود، ازدواج کرد. او دختر بزرگ ایگناتیوس پاورل^۴ بود. به خاطر نبود

^۱ Linfred of Stinchcombe ، استینچکوم نام روستایی کوچک در انگلستان است. م.

^۲ Hardwin

^۳ Iolanthe Peverell

^۴ Ignotus Peverell

وارث پسر، او که بزرگ‌ترین فرد نسلش محسوب می‌شد، شغل نامرئی پدربزرگش را به ارث برد. آیولانت به هاردوین توضیح داد که در خانواده‌ی او این یک سنت قدیمی است که مالکیت این شغل یک راز باقی بماند و همسر او نیز به خواسته‌ی آیولانت احترام گذاشت. از آن زمان به بعد شغل به بزرگترین فرد هر نسل به ارث می‌رسید.

پاترها به ازدواج کردن با همسایگان‌شان، که گاهی اوقات از مشنگ‌ها بودند، ادامه دادند و برای چند نسل در غرب انگلستان زندگی کردند که هر نسل با کار و تلاش زیادشان و البته نبوغی که جدشان، لینفرد، با آن شناخته می‌شد، به اندوخته‌ی خانواده اضافه کردند.

گاه یکی از پاترها لندن نشین می‌شد و تا به حال دو نفر از اعضای خانواده بر صندلی ویزنگاموت نشسته‌اند: رالستون پاتر^۵ که از ۱۶۱۲ تا ۱۶۵۲ عضو ویزنگاموت و یکی از حامیان اصلی قانون بین‌المللی رازداری، به جای اعلام جنگ به مشنگ‌ها بود که اعضای جنگ‌طلب خواهان آن بودند و هنری پاتر^۶، یکی از نوادگان مستقیم هاردوین و آیولانت، بین سال‌های ۱۹۱۳ تا ۱۹۲۱ عضو ویزنگاموت بود. هنری با علنا محکوم کردن وزیر سحر و جادو، آرچر اورموند^۷، که هرگونه کمک جادویی به جامعه‌ی مشنگی را حین جنگ جهانی اول ممنوع کرده بود، جنبشی به راه انداخت. رک بودن او در دفاع از جامعه‌ی مشنگی یکی از عوامل قدرتمندی بود که کمک کرد خانواده‌ی پاتر از لیست «بیست و هشت مقدس» حذف شود.

پسر هنری، فلیمنت پاتر^۸ نام داشت. به این خاطر نام او فلیمنت گذاشته شد که مادر هنری در حال مرگ از او خواسته بود که نام خانوادگی پیش از ازدواج او را زنده نگه دارد و گرنه آن نام از بین می‌رفت. فلیمنت به خوبی از پس این وظیفه بر آمد. در واقع او همیشه مهارتش در دوئل کردن را به چند دفعه‌ای نسبت می‌داد که مجبور شده بود در هاگوارتز با افرادی که نامش را مسخره می‌کردند، بجنگد. این فلیمنت بود که سرمایه‌ی خانواده را در اختیار گرفت و با ساخت معجون جادویی نرم‌کننده‌ی مو (دو قطره‌ی آن می‌تواند حتی سرسخت‌ترین موها را تسلیم کند)، آن سرمایه را چهار برابر کرد. زمانی که بازنشسته شد، شرکت را با سود هنگفتی فروخت، اما هیچ

⁵ Ralston Potter

⁶ Henry Potter

^۷ Archer Evermonde، برای مطالعه‌ی بیشتر در مورد این وزیر و سایر وزیران سحر و جادو به کتاب [داستان‌های کوتاهی از هاگوارتز درباره‌ی قدرت، سیاست و اشباح مزاحم](#) ترجمه‌ی امین بهره‌مند مراجعه کنید.

⁸ Fleamont Potter

ثروتی نمی‌توانست فرزند نداشتن او و همسرش، یوفیمیا^۹، را جبران کند. آن‌ها تقریباً از اینکه پسر یا دختری داشته باشند قطع امید کرده بودند تا اینکه یوفیمیا در کمال حیرت و تعجب متوجه شد که باردار است و پسر محبوبشان، جیمز، به دنیا آمد.

فلیمنت و یوفیمیا آنقدر زندگی کردند که شاهد ازدواج جیمز با دختر مشنگ‌زاده‌ای به نام لی‌لی اونز^{۱۰} باشند، اما نتوانستند نوه‌شان، هری، را ببینند. آبله‌ی اژدها به فاصله‌ی چند روز و به خاطر سن بالایشان، جانشان را گرفت و جیمز پاتر شغل نامرئی ایگناتیوس پاورل را به ارث برد.



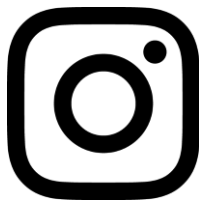
©

⁹ Euphemia

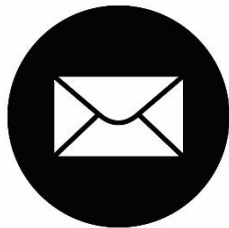
¹⁰ Lily Evans



www.dementor.ir



@divanesaz



Info@dementor.ir



@dementor_ir



@divanesaz